



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۲۲

یونس نگاه

بدویت طالبان

گروه طالبان را از هر زاویه‌های مطالعه کنید به یک نقطه خواهید رسید: بدویت. اگر بکشید مبانی فکری آن گروه را پی گیرید، مدارس و استادانشان را بشناسید، کتابها و منابع تیوریکي که منجر به خلق چنین گروه شده است را ارزیابی کنید، آخر به این نتیجه میرسید که طالب نیروی بدوی است که از قافله تحولات فکری دوران ما بسیار عقب افتاده و به سنگوارهای باقیمانده از عصرهای قدیم میماند. اگر برداشتهای فرهنگیشان را زیر ذرهبین تحقیق بگذارید، و بکشید ریشههای موضع آن گروه را نسبت به موسیقی، تفریح، رسانه، خانواده و اجتماع تعقیب کنید، به این نتیجه میرسید که گروه طالبان نماد بدویت فرهنگی است.

انسانهای بدوی و مردمان عصرهای گذشته قابل احتراماند. انسانها حتا در عصر پارینهسنگی زندهگی پرتحرک داشتند، جستوجوگر بودند و میکوشیدند ابزار و رفتار خود را بهبود بخشند. اگر تلاش آنان برای تغییر نبود، امروز ما اینهمه در کنترل عوامل طبیعی فایق نمیامدیم، از خود و جهان پیرامون اینگونه آگاه نمیشدیم و بهخصوص این دستاوردهای بزرگ مدنی و اجتماعی را نمیداشتیم که بیشتر کره زمین را بهمراتب جای بهتر و آرامتر برای زندهگی ساخته است. بعدها زمانی که مدنیتهای بزرگ باستانی شکل گرفت، نیز آدمها با مقیاس دوران ما بدوی بودند، اما زندهگی پر از تحرک و تلاش بود. بیشتر آدمها عطش دگرگونشدن داشتند، شادی و کار نفرین نمیشد، آزادی و رفاه خواستنیترین آرمانهای بشر بود و فرهنگها هر روز غنیتر میگردد. زمانی که ادیان ابراهیمی شکل میگرفت نیز گروهی از انسانهای آن عصر در پی شکستن زنجیرهای سنت بودند و میکوشیدند مسیر تحول را به روی جامعه باز کنند. پیدایش دین اسلام در قرن هفتم میلادی در جزیره عرب و گسترش آن به شمال افریقا و بخشهایی از آسیا حرکت به جلو بود. اسلام نقش بزرگ در گسستن زنجیرهای باقیمانده از عصرهای چوپانی و قبایلی در یک مرحله از تاریخ منطقه ما بازی کرد. موضع انتقادی رهبران اولیه دین اسلام در برابر قومگرایی، قبیلهگرایی و سنتهای دستوپاگیر در منطقه ما تحولی ایجاد کرد که در دامن آن علوم، ادبیات، موسیقی، فلسفه و سیاست بسیار درخشید.

«بدوی» که در ادبیات سیاسی امروز استفاده میشود، دشنام به گذشتگان نیست، بلکه بیان وضعیت گروهی از آدمها است که رو به گذشته دارند، فرزندان عصر خود نیستند و نقش حافظان زنجیرهای سنتی را بازی میکنند. طالبان امروز همان نقشی را در جامعه ما ادا میکنند که سران قبایل، مدافعان سنتهای قومی، عنعنات و باورهای باقیمانده از پدران قبیله قریش و قبایل همجواری در عصر حضرت محمد بازی میکردند. در آن زمان عمرو بن هشام که سخنور توانا، صاحب اطلاعات بسیار و روابط گسترده قومی بود به دلیل ایستادهگی در برابر تغییر به نماد جهل مشهور شد و او را تا امروز ابوجهل میخوانند. ملا هبتالله امروز همان ابوجهل است، چرا که از پایگاه سیاسی و نفوذش برای جنگ با تغییر استفاده میکند. در آن عصر، حضرت محمد تلاش داشت جامعه را به تحرک وا دارد، جایگاه زنان را ارتقا بخشد، و برتریطلبیهای قومی و نژادی را به چالش بکشد. اما حقانیها و دیگر رهبران طالب اکنون با تفسیر بدوی از دین و فرهنگ منسوب به محمد، جنگهای قومی، تنشهای مذهبی و تبعیضهای جنسیتی را رهبری میکنند. یکی از رفتارهای بدوی طالبان کوچاندن مردم از زمین و خانهشان است. در عصری که مردم در گوشهکوار جهان دروازه خانههایشان را به روی آوارها باز میگذارند، میلیونها مهاجر را از کشورهای اسلامی میپذیرند و برای گرسنگانی که از وحشت طالبان گریختنند، نان و آب تهیه میکنند؛ غصب خانه مردم و کوچاندن دهقان، کارگر و چوپان به دلیل تعلق قومی یا سکونت در محلی که مخالفان سیاسی طالب آنجا پایگاه دارند، رفتار بدوی است و با هیچ معیار اخلاقی و سیاسی جور نمیآید.

طالبان وقتی به قدرت برگشتند ساکنان قریه کندیر ولسوالی گیزاب و قریههای نوآباد، تگابدار و لور هشیوه در ولسوالی پاتوی دایکندی را مجبور به ترک خانه و زمینشان کردند. تنها از قریه کندیر ۴۰۰ خانواده وادار به کوچ شدند. در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکي په خیر و لولی

آن قریهها هیچ مقاومت و سنگری وجود نداشت. هیچ علتی جز انگیزه بدوی گروه طالب برای سرکوب ضعیفان و غصب قدرت و ثروت وجود نداشت.

هفته گذشته دهها خانواده از دره اندراب ولایت بغلان کوچانده شدهاند. طبق گزارشی که در سایت فارسی بیبسی نشر شده، به ساکنان قریههای انامک، تغانک و باغدره ولسوالی پلحصار آن دره گفته شده است که چیزی از خانههایشان بر ندارند و منطقه را ترک کنند. طالبان مثل دورانی که جنگهای قبیلهای بیداد میکرد، وسایل و داراییهای خانوادههای رانده شده را «غنیمت» گرفتند.

مجازات جمعی، رسم بدوی است. در هیچ قریه نمیتوان آدمها را یکدست و بدون تفاوت یافت. حتی اگر کسانی از آن قریهها دست به مقاومت مسلحانه زده باشند، اگر با دولت یا نیروی سیاسی غیربدوی روبهرو میبوندند همه ساکنان قریه مجازات نمیشدند. دهقان، چوپان، سلمان، زن، مرد، کودک، پیر، جوان، مریض، زورمند و بیوزر یک قریه همه نمیتوانند «همجرم» باشند.

گروهی که غوغای امر بالمعروف و نهی از منکرش گوشها را کر کرده و مردم را به دلیل «رفتار غیراخلاقی» اذیت و سرکوب میکند، خود تا فرق در انواع بداخلاقی غرق است. چه چیزی در اخلاق زشتتر از مجازات کودکان

به جرم پدران است؟ چه چیزی منکرتر از کوچاندن گروهی افراد به دلیل تعلق فرهنگی یا قومی است؟ در دور قبل، زمانی که پدران طالبان امروز از مدرسهها و روستاها به ادارات و شهرها ریختند با خود جنگ، نفاق، گرسنگی، کشتار جمعی، زمین سوخته و کوچهای اجباری را در بخشهای مختلف کشور بردند. این بار قبل از تسلیمدهی کشور به این گروه، چندین سال سیاستمداران و رسانه‌های غربی، و معامله‌گران داخلی سخن از تغییر طالبان میزدند. کشورهای همسایه با برگزاری کنفرانسها و دعوت رهبران طالب در نشستهای دیپلماتیک میکوشیدند چهره صیقلشدهتری از آنان ترسیم کنند. اما طالبان تنها آن چند نماینده ویترونی نیستند که در دوحه تزیین کرده بودند و گاه و بیگاه به نمایش میگذاشتند. طالب نیروی بدوی است که مکتبها را میبندد، زنان را از کار منع میکند، ادارات را از متخصصان خالی میکند، حکومت را قاپیده اما مسوولیت ارایه خدمات و ایجاد کار را برعهده نمیگیرد، بلکه با خشم به مردم میگوید، نانتان را از دربار خداوند بخواهید نه از ما.

برای نجات از شر طالبان در جستجوی تدبیری برای بدویتزدایی باشیم. تحولخواهان، آنانی که در کشور آزادی، صلح، دموکراسی، کار و عدالت میخواهند نیروی بزرگانند؛ اما بسیار متفرق و بدون سازماندهی. اکنون بیش از هر زمان نیاز است که این نیرو برای نجات دستبهار شود. بدویت و موضع ارتجاعی نقاط ضعف طالبان و دیگر نیروهای ضدترقی است. نیروی زمان با آزادیخواهان و حامیان ترقی میباید. مخالفان تحول با گذشت زمان تعلق و رابطه خود با جامعه را از دست خواهند داد.